



Religious Studies
A Biannual Journal of Religious Studies
Vol.1, No. 2, Autumn and Winter 2025

An Analysis of the Hypothesis of Islam’s Borrowing of Teachings from Judaism **(Case Study: Priesthood in Judaism and Sayyidhood in Islam)**

Mohsen Daleer^{*} & Seyed Reza Moaddab^{}**

[Received: 2025/6/1; Accepted: 2025/6/30]

Some researchers, citing apparent similarities among religions, have proposed the hypothesis that Islamic teachings were borrowed from Judaism. One such case is the comparison between the institution of priesthood in Judaism and sayyid status in Islam, based on the condition of blood-line descent from the prophets. Using a comparative analytical method, this study seeks to address the following central question: How can a comparison of the rationale for the emergence, structure, and economic and social dimensions of priesthood and sayyid status challenge the theory of borrowing and demonstrate the independence of the institution of sayyid status? The findings show that, although both institutions share a “basis of attribution” (blood lineage), fundamental substantive, structural, and foundational differences exist between them. In Judaism, priesthood was a hereditary and exclusive office with particular economic and social functions, whereas sayyid status in Islam is not an office with an exclusive structure; rather, it is rooted in love for the Prophet (peace be upon him) and the recompense for his prophetic mission, and sayyids have enjoyed complete freedom in the affairs of life. These fundamental distinctions invalidate the theory that Islamic teachings were borrowed from Judaism and establish the authenticity and independence of the institution of sayyid status in Islam. Sayyidhood, thereby refuting claims of borrowing and affirming the authenticity of Sayyidhood within Islam.

Keywords: Priests, Sayyids and Sayyidhood, Islam, Judaism, Genealogies.

^{*} Faculty Member and Researcher at the Research Institute of Prophetic Lineage (Al-Dhurriyah Al-Nabawiyyah), Qom, Iran (Corresponding Author). Email: Dr.deleer@gmail.com

^{**} Professor at the Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Iran. Email: moaddab_r313@yahoo.com

الدراسات الدينية

السنة الأولى، العدد الثاني، خريف وشتاء ١٤٢٧

دراسة فرضية اقتباس التعاليم الإسلامية من اليهودية (دراسة حالة الكهانة في اليهودية والسيادة في الإسلام)

محسن دلير* و سيد رضا مؤدب**

[تاريخ الاستلام: ١٤٢٦/١٢/٢٥؛ تاريخ القبول: ١٤٢٧/١/٤]

طرح بعض الباحثين، استنادًا إلى أوجه التشابه الظاهر بين الأديان، فرضية اقتباس التعاليم الإسلامية من اليهودية؛ ومن جملة ذلك مقارنة مؤسسة «الكهانة» في اليهودية بـ«السيادة» في الإسلام، على أساس شرط الانتساب الدموي إلى الأنبياء. ويسعى هذا البحث، باستخدام المنهج التحليلي المقارن، إلى معالجة السؤال الرئيس الآتي: كيف يمكن لمقارنة فلسفة نشأة الكهانة والسيادة وبنيتهما وأبعادهما الاقتصادية والاجتماعية أن تتحدى نظرية الاقتباس وتبين استقلال مؤسسة السيادة؟ وتبين (النسب، على الرغم من اشتراك المؤسستين في «أساس الانتساب» (النسب الدموي)، فإن بينهما فروقًا ماهوية وبنوية وأساسية جوهرية؛ فالكهانة في اليهودية منصب وراثي وحصري ذو وظائف اقتصادية واجتماعية خاصة، في حين أن السيادة في الإسلام ليست منصبًا ذا بنية حصرية، بل تتجذر في محبة النبي (ص) وأجر الرسالة، وقد تمتع السادة بحرية كاملة في شؤون الحياة. وتؤدي هذه الفروق الجوهرية إلى إبطال نظرية اقتباس التعاليم الإسلامية من اليهودية، وإثبات أصالة مؤسسة السيادة في الإسلام واستقلالها.

الكلمات المفتاحية: الكهان، السادة والسيادة، الإسلام، اليهودية، الأنساب.

* باحث وعضو الهيئة العلمية في معهد الذرية النبوية للبحوث، قم، إيران، (المؤلف المراسل) Dr.deleer@gmail.com
** أستاذ بقسم علوم القرآن والحديث، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة قم، إيران moadab_r313@yahoo.com

بررسی های ادیان

سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴

واکاوی انگاره اقتباس آموزه های اسلام از یهودیت (مطالعه موردی: کهانت در یهودیت و سیادت در اسلام)

محسن دلیر* سیدرضا مؤدب**

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰]

چکیده

برخی پژوهشگران با استناد به شباهت های ظاهری میان ادیان، فرضیه اقتباس آموزه های اسلامی از یهودیت را مطرح کرده اند؛ از جمله این موارد، مقایسه نهاد کهانت در یهودیت با سیادت در اسلام بر پایه شرط انتساب خونی به پیامبران است. این پژوهش با روش تحلیل تطبیقی درصدد آن است به این پرسش اصلی بپردازد که مقایسه فلسفه پیدایش، ساختار و ابعاد اقتصادی اجتماعی کهانت و سیادت، چگونه نظریه اقتباس را به چالش کشیده و استقلال نهاد سیادت را تبیین می کند؟ یافته های تحقیق نشان می دهد اگرچه هر دو نهاد در پایه انتساب (نسب خونی) اشتراک دارند، اما تفاوت های ماهوی، ساختاری و مبنایی بنیادینی میان آن ها حاکم است؛ کهانت در یهودیت منصبی موروثی، انحصاری و با کارکردهای ویژه اقتصادی اجتماعی بود، درحالی که سیادت در اسلام منصبی با ساختار انحصاری نیست، بلکه ریشه در محبت به پیامبر (ص) و اجر رسالت دارد و سادات از آزادی کامل در شئون زندگی برخوردار بوده اند. این تمایزات بنیادین، نظریه اقتباس آموزه های اسلامی از یهودیت را ابطال نموده و اصالت و استقلال نهاد سیادت در اسلام را اثبات می کند.

کلیدواژه ها: کاهنان، سادات و سیادت، اسلام، یهودیت، انساب.

* عضو هیئت علمی و پژوهشگر پژوهشکده الذریعة النبویة، قم، ایران (نویسنده مسئول) Dr.deleer@gmail.com
** استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران
moadab_r313@yahoo.com

برخی از خاورشناسان همچون گایگر،^۱ توری^۲ و ... با استناد به شباهت‌های انکارناپذیر بین دو دین ابراهیمی یهود و اسلام، بدون توجه به سرچشمه و حیانی مشترک آنها، ادعا کرده‌اند که اسلام از منابع یهودی اقتباس کرده است و بخشی از آموزه‌های آن مستقیم از متون این دین برگرفته شده است. پذیرش چنین ادعایی به معنای تردید در وحیانی بودن قرآن و چالش در ریشه‌های الهی اسلام خواهد بود؛ از این رو برای ارزیابی فرضیه یادشده، آموزه‌ها و سنت‌های هر دو دین در منابع اصیل باورمندان به آنها واکاوی شده است و ارزیابی ادعاهای مطرح شده، ضرورت می‌یابد.

اهمیت بالای بررسی این موضوع و پاسخ به شبهه یادشده، موجب نگارش مقالاتی شده است که در این میان، برخی با رویکردی عمومی به نقد و رد این دیدگاه پرداخته‌اند^۳ و برخی دیگر بر نقد دیدگاه یک خاورشناس متمرکز شده‌اند.^۴ در این میان، جای مطالعه موردی مشابهت‌های ادعایی هنوز خالی به نظر می‌رسد؛ درحالی‌که مطالعه‌های موردی می‌توانند نتایجی دقیق‌تر و علمی‌تر ارائه دهند. بر همین اساس، در این پژوهش با هدف بررسی ادعای تأثیرپذیری اسلام از یهودیت با رویکرد تطبیقی و روش تحلیلی، با استناد به منابع اصیل و معتبر دینی (عهد عتیق برای یهودیت و قرآن و حدیث برای اسلام)، تلاش شده است از طریق مقایسه ابعاد ساختاری، معنوی، اقتصادی و حقوقی سیادت در اسلام و کهنات در یهودیت، ادعای اقتباس مطالعه و با روشن کردن تفاوت‌های بنیادین سیادت با کهنات، ادعای یادشده ارزیابی و نقد شود. در این پژوهش، نخست به طرح فرضیه اقتباس سیادت از کهنات و مستندات این شبهه پرداخته شده است؛ در ادامه پیشینه، جایگاه و احکام کهنات در یهودیت و سیادت در اسلام بررسی می‌شود و با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه، ادعای اقتباس سیادت از کهنات ارزیابی خواهد شد.

۱. استدلال باورمندان به اقتباس

زمزمه‌های اقتباس قرآن از آموزه‌های پیشین در خود قرآن گزارش شده است (نحل ۱۶: ۱۰۳؛ فرقان ۲۵: ۴) و خاورشناسان در سده‌های اخیر این ادعا را تکرار و برای ادعای خویش به شباهت‌های بین قرآن و منابع ادیان دیگر استناد کرده‌اند (بلاشر، ۱۳۷۲هـ.ش، ص ۳۵ - ۷۰؛ گلدزیهر، ۱۹۴۶م، ص ۵ - ۹ - ۱۴؛ نولدکه، ۲۰۰۰م،

ص ۷). نمونه‌ای از این مشابهت‌ها، همانندی جایگاه کاهنان در یهود با سیادت در اسلام است. توضیح اینکه مناصبی دینی مانند «رَبّی»^۵ در یهودیت وجود دارند که دست‌یابی به آنها نیازمند تحصیلات دینی در مدارس وابسته به یهودیت است؛ با این حال شرط دست‌یابی به منصب‌هایی دیگر انتساب خونی است. بر اساس گزارش‌های موجود، تیره‌ای از قبیله لاوی، یعنی خاندان هارون به‌مثابه کاهنان متمایز شده‌اند و امتیازهای بیشتر و بالاتری داشته‌اند (ابن خلدون، ۱۴۰۱هـ ج ۲، ص ۱۰۶)؛ در اسلام نیز با وجود عالمان دینی، برای خاندان پیامبر اکرم (ص) احکامی متفاوت در نظر گرفته شده و عنوان سیادت پدید آمده است.

شبهت در انتقال موروثی این عناوین دینی با حدیث متواتر مشهور به «منزلت» کامل می‌شود (قمی، ۱۴۰۴هـ ج ۱، ص ۲۹۳؛ هلالی، ۱۴۰۵هـ ج ۲، ص ۵۶۸؛ طیالسی، ۱۴۱۹هـ ج ۱، ص ۱۶۷ - ۱۷۰ - ۱۷۳؛ ابن راهویه، ۱۴۱۲هـ ج ۵، ص ۳۶؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱هـ ج ۳، ص ۶۷) که در آن امام علی (ع) در جایگاه برادر رسول خدا (ص)، یعنی در جایگاه هارون نسبت به موسی (ع) معرفی شده است. با توجه به اینکه طبق سنت یهود، لاویان و حضرت موسی (ع) از سبط لاوی و از یک نسل بودند و کاهنان برادرزادگان آن حضرت (ع) هستند؛ سادات نیز با رسول خدا (ص) از قبیله بنی‌هاشم و یک نسل و گروه خاصی از ایشان با عنوان علویون از نسل امام علی (ع) هستند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که الگوی لاویان و کاهنان در اسلام درباره بنی‌هاشم و دودمان امام علی (ع) تکرار شده است و این تشابه الگو، قرینه‌ای بر شبهه اقتباس سیادت از کهنات است.

۱. کهنات

۱-۱. تعریف و مفهوم

منابع لغوی اسم مصدر «کهنات» را اخترشناسی، غیب‌گویی، فالگویی و پیشگویی معنا کرده‌اند (عمید، ۱۳۸۹هـ ش، ص ۸۶۰؛ معین، ۱۳۸۶هـ ش، ج ۲، ص ۱۴۱۹؛ صبری پاشا، ۱۴۲۴هـ ج ۱، ص ۳۲۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۹۹هـ ش، ج ۴، ص ۲۱۵) که واژه «کاهن» برگرفته از آن است و دو مرتبه در قرآن به کار رفته است (طور ۵۲: ۲۹؛ حاقه ۶۹: ۴۲). این واژه، اسم عام بر وزن فاعل و از ریشه زبان‌های سامی باستان است که به یک نهاد آیینی و دینی و مجری مراسم مذهبی در ادیان مختلف از جمله یهود اشاره





دارد و نقش اصلی ایشان در بنی‌اسرائیل از دوره موسی (ع) تا زمان تخریب دوم معبد و ظهور ربانیسم، تعلیم آموزه‌های دینی، قضاوت و واسطه‌گری بین خدا و بنی‌اسرائیل بود (عهد عتیق، تثیه، ج ۱۷، ص ۹ - ۱۱؛ اول تواریخ، ج ۲۳، ص ۴ - ۵).

۲-۱. پیدایش و سیر تاریخی کهنات در یهود

از میان بنی‌اسرائیل، فرزندان هارون برادر حضرت موسی از قبیله لاوی به عنوان کاهن برای خدمت در معبد برگزیده شدند و کهنات در این خاندان موروثی شد (عهد عتیق، اعداد، ۳: ۱۲ و ۱۸: ۲ و ۶؛ لاویان، ۲۱: ۱ تا ۸؛ خروج، ۲۷: ۲۱ و ۲۸: ۱ و ۲۹: ۹). در تورات می‌خوانیم: «و هارون و پسرانش را نزد دروازه خیمه اجتماع آورده، ایشان را به آب غسل ده * و هارون را به رخت مقدس بپوشان و او را مسح کرده تقدیس نما تا برای من کهنات کند. * و پسرانش را نزدیک آورده ایشان را به پیراهن‌ها بپوشان * و ایشان را مسح کن چنان‌که پدر ایشان را مسح کردی تا برای من کهنات نمایند و مسح ایشان هر آینه برای کهنات ابدی در نسل‌های ایشان خواهد بود» (عهد عتیق، خروج، ۴۰: ۱۳ تا ۱۶).

تعداد فرزندان لاوی که در تورات سه تن گزارش شده‌اند (عهد عتیق، پیدایش، ۴۶: ۱۱؛ اعداد، ۳: ۱۷؛ اول تواریخ ایام، ۶: ۱)، ازدیاد یافت تا اینکه در سرگردانی صحرای سینا و پیش از ورود به سرزمین کنعان بیش از ۲۲ هزار نفر شمارش شدند (عهد عتیق، اعداد، ۳: ۳۹ و ۲۶: ۶۲) که هارون و چهار فرزندش عضوی از ایشان بودند. تاریخ گزارش می‌دهد که در هنگامه نابودی معبد به فرمان بخت‌النصر در حدود ۵۸۶ قبل از میلاد (ناس، ۱۳۵۴ هـ.ش، ص ۳۴۸؛ امیر، ۲۰۱۴ م، ص ۲۹۷؛ اپستاین، ۱۳۸۸ هـ.ش، ص ۴۷ - ۵۸)، دست کم ۸۰ هزار نفر کاهن کشته شدند؛ چنان‌که چنین گزارشی از زمان شهادت حضرت زکریا نیز وجود دارد (تلمود اورشلیم، ۲۰۱۵ هـ.ت: فصل ۴، میشنه ۷، ابیات ۱۸ و ۱۹)^۱ و این مسئله نشان‌دهنده افزایش جمعیت کاهنان است.

دوره پس از بازگشت یهودیان از اسارت بابل و بازسازی معبد را دوره حکومت و زمامداری کاهنان دانسته‌اند و آن را نزدیک به چهارصد سال برآورد کرده‌اند (ناس، ۱۳۵۴ هـ.ش، ص ۳۵۵) که در این دوره تغییرات بسیاری در بافت دینی و جمعیتی یهودیان پدید آمد و به تدریج قدرت سیاسی از پادشاهان به کاهنان منتقل شد (اشتاین سالتز، ۱۳۸۲ هـ.ش، ص ۷۵). گزارش‌های مختلفی درباره نقش کاهنانی در سطوح

متفاوت مدیریتی وجود دارد؛ همچون مدیریت تجدید بنای معبد و بازنویسی کتاب مقدس یهودیان، دیدار با اسکندر مقدونی در جایگاه نماینده بنی اسرائیل، زمامداری سیاسی و گاه رهبری نهضت‌های مبارزاتی و استقلال‌طلبانه، تا جایی که سنت‌های به‌جای‌مانده از ایشان در تشریع احکام محترم شمرده شده است (ابن خلدون، ۱۴۰۱هـ ج ۱، ص ۲۸۹ - ۴۴۲ و ج ۲، ص ۱۳۷ - ۱۳۸؛ ابان، ۱۳۵۸هـ-ش، ص ۱۰۲ - ۱۰۵؛ بنی‌حسینی، ۱۳۷۲هـ-ش، ج ۲، ص ۹۴۸؛ یوسیفسوس، ۱۸۷۲م، ص ۱۵ - ۲۶ - ۲۹؛ امیر، ۲۰۱۴م، ص ۱۰۸ - ۱۱۷ - ۱۴۰؛ اشتاین سالتز، ۱۳۸۲هـ-ش، ص ۴۷ - ۱۴۱).

در میان کهنه، مقام کاهن اعظم (כֹּהֵן גָּדוֹל) بالاترین جایگاه را داشت؛ از این رو افراد زیادی خواستار رسیدن به این مقام بودند. بر این اساس هم تاریخ شاهد تحولات بسیاری در معیارهای احراز مقام کهنات اعظم است؛ زیرا این مقام در آغاز بر اساس وراثت از پدر به پسر منتقل می‌شد، اما بعدها قوانینی وضع شد تا برجسته‌ترین کاهن هر نسل به این سمت منصوب شود تا اینکه در دورهٔ سلسله حشمونائیم معیارها تنزل یافت و حتی گزارش واگذاری آن بر اساس پرداخت مبالغ هنگفت نیز ثبت شده است (اشتاین سالتز، ۱۳۸۲هـ-ش، ص ۵۱).

تخریب دوم معبد اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، نقطه عطف دگرگونی ساختار دینی یهودیت بود (کلاپرمن، ۱۳۴۷هـ-ش، ج ۲، ص ۱۶۹ - ۱۷۳ - ۱۸۴ - ۱۸۸). تا پیش از این رویداد، کهنات محور اصلی حیات دینی به شمار می‌رفت و انحصار وساطت میان خدا و قوم اسرائیل را در دست داشت؛ ولی پس از تخریب معبد به دست رومیان، کهنات در عمل کارکرد خود را از دست داد و مشروعیت آن به چالش کشیده شد و رو به افول نهاد و «یهودیت ربانی» به تدریج به مثابهٔ وجه غالب در جامعه یهود جانشین آن شد؛ به گونه‌ای که حتی ادعای انتساب به این خاندان بسیار کم مطرح می‌شد (هاکس، ۱۳۹۴هـ-ش، ص ۷۶۰؛ تطیلی، ۲۰۰۲م، ص ۲۴۴؛ مک‌لین راجرز، ۲۰۲۱م، ص ۳ - ۵؛ وستوود، ۲۰۱۷هـ ص ۱۸۹ - ۱۹۳). بر این اساس، دانایان به شریعت بر کاهن اعظم ترجیح یافتند و این عبارت کتاب مقدس «حکمت تورات، گران‌بها تر از مروارید است» (امثال سلیمان: باب ۳، بند ۱۵)، چنان معنا شد که دانشمندان ربی از کاهن اعظم گران‌بها تر هستند و ربی‌ها به رهبران قوم یهود تبدیل شدند (اشتاین سالتز، ۱۳۸۲هـ-ش، ص ۱۴۳)؛ حتی برخی بر این تصمیم بودند که منابع مالی ایشان را قطع کنند (تلمود اورشلیم، معصر شنی: فصل ۵، میشنه ۳، ابیات ۵ - ۶).





۱-۳. احکام کاهنان در دیانت یهود

کاهنان در خیمهٔ عبادت و سپس در معبد اورشلیم نقش اساسی ایفا می‌کردند و مسئولیت خدمت درون حجاب و داخل معبد قدس و همچنین قربانی به ایشان واگذار شده بود (عهد عتیق، اعداد، ۱۸: ۵ و ۷)؛ چنان‌که تلاوت سرودهای دینی بر عهدهٔ کاهنان قرار داشت (امیر، ۲۰۱۴م، ص ۷۶ - ۷۷). کتاب *میشنا* شرحی از کارهای روزمره و وظایف کاهنان در معبد را ارائه داده است که نشان می‌دهد مسئولیت‌های متنوعی از نگهداری معبد گرفته تا انجام آیین‌های خاص در تالارهای آن بر عهده ایشان بوده است (میشنا، رساله تامید: باب ۱، بند ۱).

کاهنان نه تنها در اجرای آیین‌های مذهبی، بلکه در حفظ و تداوم سنت‌های دینی و اجتماعی قوم بنی اسرائیل نقش داشتند و برخی از احکام دین یهود برگرفته از سنت‌های رفتاری ایشان است (نتصر، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۳۲۹؛ اشتاین سالتز، ۱۳۸۲هـ.ش، ص ۷۳-۷۴-۱۰۱). عهد عتیق مسئولیت‌های زیر را از وظایف کاهنان برشمرده است:

تبلیغ شریعت، انجام مراسم قربانی در معبد، تطهیر آیینی و اجرای مراسم کفاره، پاشیدن خون ذبیحه به محراب و پردهٔ مقدس، سوزاندن بخور، نگهداری از ظروف مقدس، روشن نگه داشتن چراغدان، مداوای بیماران و تطهیر بیماران مبتلا به برص بر اساس دستور شریعت، برگزاری مراسم عید، زنده نگه داشتن "سبت" و حفظ تقدس آن. از دیگر وظایف کهنه، برکت دادن به قوم اسرائیل بود که در تورات بیان شده است و تنها مردانی که از نسل مستقیم هارون هستند، مجاز به انجام آن می‌باشند (عهد عتیق، خروج، ۲۷: ۲۰ و ۲۱؛ لاویان، ۱: ۵ تا ۲۳ و ۳: ۲ و ۴: ۶ و ۶: ۹ تا ۱۳ و ۷: ۱ تا ۱۷ و ۹: ۵ تا ۱۱ و ۱۶: ۲ تا ۳۴ و ۱۵: ۵ تا ۱۹ و ۲۶: ۱۴ تا ۴۸؛ اعداد، ۶: ۲۲ تا ۲۷).

چنان‌که برخی از نام‌های الهی در میان کاهنان محفوظ بود و به عنوان اسرار به گروه اندکی از شاگردان آموزش داده می‌شد (اشتاین سالتز، ۱۳۸۲هـ.ش، ص ۱۸۱ - ۱۸۲).

کاهنان باید برخی ممنوعیت‌های خاص را رعایت می‌کردند؛ از جمله ممنوعیت لمس اجساد جز برای جسد بستگان درجه یک و ممنوعیت ازدواج با بیوه‌ها و زنان مطلقه (عهد عتیق، لاویان، ۲۱: ۱ تا ۱۵؛ میشنا، یواموت: باب ۴، بند ۶). در توضیح حکم ممنوعیت ازدواج با زن مطلقه گفته شده است: «کاهنان اگرچه همسر خود را می‌توانند طلاق دهند، ولی به منظور پاک نگه داشتن نسل و سلسله خانوادگی خود اجازه ندارند با زن مطلقه ازدواج کنند» (نتصر، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۳۳۸).

کاهن اعظم تنها شخصی بود که در روز کیپور اجازه ورود به قدس الاقداس را داشت و می‌توانست به عنوان واسطه بین مردم و خدا برای گناهان قوم اسرائیل کفاره دهد (عهد عتیق، لاویان، ۱۶: ۲ تا ۳۴؛ اشتاین سالتز، ۱۳۸۲ هـ.ش، ص ۱۰۱). لباس او همیشه نفیس‌تر و نیکوتر از کاهنان دیگر بود، مگر در روز کفاره که لباس ساده سفیدی از کتان می‌پوشید (هاکس، ۱۳۹۴ هـ.ش، ص ۷۱۳).

برخی از این رسم‌ها هنوز هم به وسیله کسانی خود را از خاندان هارون می‌دانند و کاهن به شمار می‌روند، انجام می‌شود که از جمله آنها مراسم برکت کاهنی (براخای گهنیم) در کنیسه‌هاست (حییم، ۱۳۷۲ هـ.ش، ج ۱، ص ۲۴۴ - ۲۵۸)؛ چنان‌که ایشان ممنوعیت‌های ذکرشده را هم رعایت می‌کنند (اشتاین سالتز، ۱۳۸۲ هـ.ش، ص ۱۷۸).

۱-۴. منابع مالی لاویان و کاهنان

تورات، کهنات را هدیه‌ای به خاندان هارون دانسته است (عهد عتیق، اعداد، ۱۸: ۷)؛ با این وجود، بر خلاف دیگر اسباط، در تقسیم زمین‌ها، هیچ ملک و زمین کشاورزی را به لاویان و از جمله کاهنان اختصاص نمی‌دهد (عهد عتیق، اعداد، ۱۸: ۲۰ و ۲۳؛ صحیفه یوشع، ۱۳: ۱۴)؛ ولی در مقابل، چهل و هشت شهر با مراتع آنها که در قلمرو سایر قبایل بودند را برای امرار معاش در اختیار ایشان قرار داده است (عهد عتیق، صحیفه یوشع، ۲۱: ۴۱).

در تورات منابع مالی تأمین ایشان چنین تعیین شده است: «و به بنی‌لاوی اینک تمامی عَشْر اسرائیل را برای ملکیت دادم... *... زیرا که عَشْر بنی‌اسرائیل را که آن را نزد خداوند برای هدیه افراشتنی بگذرانند به لاویان به جهت ملک بخشیدم؛ بنابراین به ایشان گفتم که در میان بنی‌اسرائیل ملک نخواهند یافت» (عهد عتیق، اعداد، ۱۸: ۲۱ و ۲۴).

تورات در خطاب به هارون به اختصار شش منبع را مشخص کرده است: ۱. هدایای مقدس شامل انواع قربانی‌ها، هدایای آردی و...؛ ۲. هدایای تکان‌دانی؛ ۳. محصولات کشاورزی که به خداوند تقدیم می‌شود؛ ۴. نخستین محصولات زمین (میوه‌ها و محصولات زراعی)؛ ۵. نخست‌زادگان (انسان‌ها و حیواناتی که به خداوند تقدیم می‌شوند)؛ ۶. عهد نمک (عهد عتیق، اعداد، ۱۸: ۹ تا ۱۹).



افزون بر این موارد می‌توان به هدایای اختیاری نیز اشاره کرد که در اختیار کاهنان قرار می‌گرفت (اشتاین سالتز، ۱۳۸۲هـ.ش، ص ۴۸).

۵-۱. جمع‌بندی

لاویان، عموزادگان موسی (ع) و کاهنان برادرزادگان آن حضرت بودند که جایگاه خدمت‌گذاران الهی در خیمه پرستش و سپس در معبد وظیفه اجرای مراسم مذهبی را برعهده داشتند. به اینان سهمی از ملک و زمین‌های زراعی اختصاص نیافت؛ با وجود این، از کارکردن در مزارع یا تولید کالا هم معاف بودند و به گونه‌ای قانون‌مند از طریق عُشریه، هدایا و اوقاف تأمین مالی می‌شدند و سیستم اقتصادی پایداری داشتند. ایشان به واسطه همین مسئولیت‌ها به تدریج مدیریت جامعه یهود را به دست گرفتند و سلسله حکومتی تشکیل دادند؛ ولی از آنجاکه مسئولیت ایشان وابسته به برپایی معبد بود و پس از سوءاستفاده‌هایی که از مقام خویش داشتند، قدرت خود را از دست دادند و «ریبون» جایگزین ایشان شدند.

۲. سادات و سیادت

۱-۲. تعریف و مفهوم

«سید» در لغت به معنای فرد برتر، نیک‌منش، رئیس و سرور آمده است و اسم مصدر آن، یعنی «سیادت» نشان از بزرگی و سروری دارد؛ اما در عرف جوامع اسلامی، این واژه معنایی ویژه یافته است و به خاندان هاشم فرزند عبدمناف به‌ویژه فرزندان حضرت فاطمه (س)، یعنی نوادگان گرامی پیامبر اکرم (ص) اطلاق می‌شود (انباری، ۱۴۱۲هـ.ج ۱، ص ۱۲۳؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴هـ.ج ۸، ص ۳۵۶؛ هروی، ۱۴۱۹هـ.ج ۳، ص ۹۴۸؛ معین، ۱۳۸۶هـ.ش، ج ۱، ص ۹۰۲ - ۹۰۷؛ عمید، ۱۳۸۹هـ.ش، ص ۶۷۶).

۲-۲. دودمان پیامبر (ص) در قرآن و حدیث

خدای متعال در قرآن کریم تنها یک بار از جمع واژه «سید» با عبارت «سادتنا» (احزاب ۳۳: ۶۷) یاد کرده است و مراد از آن «سران کفار» است؛ اما عنوان «سید» و واژه‌های مترادف آن برای خویشان و خاندان پیامبر (ص) ذکر نشده است. با این وجود،

در آیاتی از این کتاب مقدس، احکامی برای خاندان و خویشان آن حضرت (ص) بیان شده است که می‌توان آنها را سرچشمه پیدایش عنوان سیادت و امتیاز یافتن این خاندان از دیگر مسلمانان دانست که در ادامه به آیات یادشده اشاره می‌شود.

آیه نخست: آیه مودّت: خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» بگو از شما [در برابر ابلاغ رسالتم] هیچ پاداشی جز مودّت نزدیکان را نمی‌خواهم» (شوری ۴۲: ۲۳). گروهی از مفسران، «قربی» را به معنای تقرّب جستن به درگاه الهی و «مودّت فی القربی» را دوست داشتن طاعت و تقوا در راه تقرّب به درگاه الهی دانسته‌اند؛ گروهی دیگر آن را به معنای قرابت پیامبر (ص) با قریش معنی کرده‌اند و خطاب آیه را تنها مردم قریش دانسته‌اند؛ گروهی دیگر هم با استناد به روایات و نظر صحابه، آیه را به اجر رسالت مربوط دانسته و «قربی» را نزدیکان و آل رسول خدا (ص) دانسته‌اند و بر این باورند که خدای متعال در این آیه به پیامبر خویش می‌آموزد که از مؤمنان بخواهد هر احترامی که می‌خواهند به آن حضرت بگذارند، به‌مثابه مزد رسالت به خویشان و اهل‌بیت او بگذارند (طبرسی، ۱۴۰۸ هـ ج ۹، ص ۴۳).

از مفسران سده‌های نخستین نیز همین تفسیر نقل شده است (مجاهد، ۱۴۱۰ هـ ص ۵۸۹؛ مقاتل، ۱۴۲۳ هـ ج ۳، ص ۷۶۹؛ ابن‌وهب، ۲۰۰۳ م، ج ۱، ص ۱۰۳؛ عبدالرزاق، ۱۴۱۹ هـ ج ۳، ص ۱۶۱)؛ همچنین همین معنا دست‌کم در پانزده روایت عامه از ابن‌عباس و دیگر راویان نقل شده است (طبری، [بی‌تا]، ج ۲۱، ص ۵۲۵ - ۵۲۷).

ابن‌رشد مالکی هفت نظر در تعیین دودمان و آل پیامبر (ص) نقل می‌کند و بیشتر اهل علم را بر این باور می‌داند که ایشان بنی‌هاشم یعنی آل‌عباس، آل‌علی، آل‌جعفر و آل‌عقیل هستند (ابن‌رشد، ۱۴۱۴ هـ ج ۱، ص ۳۳۳).

در منابع عامه روایتی طولانی در آثار محبت آل‌محمد به این ترتیب نقل شده است: «کسی که با محبت خاندان محمد بمیرد، شهید مرده است؛ کسی که با محبت خاندان محمد بمیرد، آمرزیده‌شده مرده است...»^۸. فخر رازی پس از نقل این روایت می‌نویسد: «بی‌شک فاطمه و علی و حسن و حسین بیشترین پیوند را با رسول خدا (ص) داشتند و با نقل متواتر معلوم می‌شود که ایشان آل‌محمد هستند» (فخر رازی، ۱۴۲۰ هـ ج ۲۷، ص ۵۹۵).





آیه یادشده به همراه روایات نقل شده که به برخی از آنها اشاره شد، نشان‌دهنده مبنای جایگاه ویژه دودمان رسول خدا (ص) در میان مذاهب مختلف اسلامی و مسلمانان است.

آیه دوم: حکم خمس: خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ...» و بدانید هر چیزی را که به عنوان غنیمت و فایده به دست آوردید، یک پنجم آن برای خدا و خویشان پیامبر، و یتیمان و مسکینان و در راه‌ماندگان است، اگر به خدا باور دارید ...» (انفال ۸: ۴۱).

امامیه معتقدند خمس ذکرشده در این آیه به مقتضای ظاهر آیه و روایات به شش سهم تقسیم می‌شود که سه سهم آن به امام (ع) و سه سهم دیگر به یتیمان، مستمندان و ابن السبیل از بنی‌هاشم پرداخت می‌شود و دیگران با آنها شریک نیستند؛ زیرا خداوند بر اولاد پیامبر، صدقه را که اوساخ اموال مردم است، تحریم کرده است (طبرسی، ۱۴۰۸هـ ج ۴، ص ۸۳۵ - ۸۳۶). بر این اساس، مدلول واژه «قربی» در این آیه و دو آیه مورد بحث دیگر، اهل بیت معصوم رسول خدا (ع) هستند (صاحب جواهر، [بی‌تا]، ج ۱۶، ص ۸۶؛ طباطبائی، ۱۳۵۲هـ ش، ج ۹، ص ۸۹ - ۹۱؛ ج ۱۸، ص ۴۶).

در برابر، گروهی از عامه «ذی‌القربی» در این آیه را عموم خویشان پیامبر (ص) دانسته‌اند (مقاتل، ۱۴۲۳هـ ج ۲، ص ۱۱۶؛ طبری، [بی‌تا]، ج ۱۳، ص ۵۵۸)؛ چنان‌که شافعی در تفسیر خویش با اشاره به اینکه شریعت صدقه و زکات را بر خاندان پیامبر (ص) حرام کرده است، توضیح می‌دهد که پس از نازل شدن دستور پرداخت حق ذی‌القربی به ایشان و اینکه خدای متعال فرمود خمس برای خدا و رسول و ذی‌القربی است، رسول خدا سهم ذی‌القربی را در میان بنی‌هاشم بن عبدمناف و بنی‌المطلب بن عبدمناف تقسیم کرد و این عمل رسول خدا نشانه آل‌محمد بودن ایشان است (شافعی، ۱۴۲۷هـ ج ۲، ص ۸۸۴).

آیه سوم: حکم فیه: خدای متعال در قرآن کریم بخشی از عایدی فیه را ویژه خاندان پیامبر (ص) می‌داند و می‌فرماید: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...» آنچه خدا از [اموال و زمین‌های] اهل آن آبادی‌ها به پیامبرانش بازگرداند، اختصاص دارد به خدا و پیامبر و خویشان ...» (حشر ۵۹: ۷).

امامیه معتقد است مقصود از «ذی القربی» در این آیه، بنی هاشم هستند و همه سهام یادشده در این آیه به ایشان تعلق می‌گیرد (طبرسی، ۱۴۰۸هـ ج ۹، ص ۳۹۱). جمعی از مفسران عامه نیز تفسیری مشابه با تفسیر امامیه دارند، جز اینکه بنی‌المطلب بن عبدمناف را با بنی هاشم شریک دانسته‌اند (مقاتل، ۱۴۲۳هـ ج ۴، ص ۲۷۸؛ نسفی، ۱۴۴۰هـ ج ۱۴، ص ۳۵۶؛ زجاج، ۱۴۰۸هـ ج ۵، ص ۱۴۵؛ واحدی، ۱۴۱۵هـ ج ۴، ص ۲۷۲؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲هـ ج ۵، ص ۲۸۶؛ قرطبی، ۱۳۸۴هـ ج ۱۸، ص ۱۲؛ طبری، [بی‌تا]، ج ۲۳، ص ۲۷۷).

مفسران و راویان فریقین در ذیل این آیات روایتی از امام رضا(ع) به واسطه پدران گرامیش از رسول خدا(ص) نقل کرده‌اند که فرمود: «بهشت بر کسی که به اهل بیت من ستم روا دارد، حرام است»،^{۱۰} همچنین از آن حضرت با همین اسناد نقل کرده‌اند: «هر کس به یکی از فرزندان عبدالمطلب خیری برساند و او پاداش آن را ندهد، من، خودم زمانی که فردا روز، در قیامت ملاقاتم کند، پاداش او را خواهم داد»^{۱۱} (صدوق، ۱۳۷۸هـ ش، ج ۲، ص ۳۴؛ طوسی، ۱۴۱۴هـ ص ۱۶۴؛ ثعلبی، ۱۴۳۶هـ ج ۲۳، ص ۳۵۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷هـ ج ۴، ص ۲۲۰).

روایات بسیار دیگری با موضوع مشابه این روایات در تکریم بنی‌هاشم در منابع مختلف روایی و تفسیری نقل شده است (ابن حنبل، ۱۴۲۱هـ ج ۱۷، ص ۱۷۰ - ۲۱۱ و ج ۳۲، ص ۱۱ و ج ۳۵، ص ۴۵۶ - ۵۱۱؛ دارمی، ۱۴۱۲هـ ج ۴، ص ۲۰۹۰؛ قشیری، ۱۳۷۴هـ ج ۴، ص ۱۸۷۳؛^{۱۲} ابن الجعد، ۱۴۱۰هـ ص ۳۹۷) که موجب شده‌اند سادات در میان مسلمانان از جایگاه اجتماعی والا و حرمت ویژه‌ای برخوردار شوند.

۲-۳. احکام سادات در شریعت اسلام

بنی‌هاشم در احکام اسلامی حقوق و ممنوعیت‌هایی دارند که اگرچه این احکام بر اساس ذات فقه اسلامی بدون اختلاف نیستند، نشان‌دهنده جایگاه و حرمت ویژه ایشان در عرصه شریعت اسلامی است. این احکام را می‌توان در سه بخش شخصی، اجتماعی و مالی مطالعه کرد.

۲-۳-۱. احکام اجتماعی سادات

در بخش احکام اجتماعی گروهی از عالمان عامه کسی را برای ازدواج، همسان و هم‌شان بنی‌هاشم نمی‌دانند و ازدواج مردی از دیگر مسلمانان را با زنان ایشان جایز





نمی‌دانستند (ماوردی، ۱۴۱۹هـ ج ۹، ص ۱۰۲؛ شیرازی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۳۳؛ فراء حنبلی، ۱۴۰۵هـ ج ۲، ص ۹۴؛ ابن‌قدامه مقدسی، ۱۴۱۴هـ ج ۳، ص ۲۲؛ قاضی عیاض، ۱۴۱۹هـ ج ۴، ص ۶۷۲؛ قرطبی، ۱۴۱۷هـ ج ۴، ص ۲۱۶) و از عالمان شیعه نیز به ابن‌جنید نسبت داده شده که با این نظر همراه بوده است (ابن‌جنید اسکافی، ۱۴۱۶هـ ص ۲۶۳). از قبایل مغرب و مشرق (اندونزی) جهان اسلام نیز تبدیل این حکم به عرف جامعه گزارش شده است (زوای، ۲۰۰۵م، ص ۱۳۱؛ موری‌موتو و همکاران، ۲۰۱۲م، ص ۵۲). همچنین سادات برای امامت نمازهای جماعت دارای اولویت دانسته شده‌اند (موسوی عاملی، ۱۴۱۱هـ ج ۴، ص ۱۶۲ - ۳۵۶؛ صاحب‌جواهر، [بی‌تا]، ج ۱۳، ص ۳۵۳؛ ابن‌قائد حنبلی، ۱۴۴۲هـ ج ۱، ص ۴۰۰) و نیز برخی از عامه یکی از شرایط تصدی امامت و خلافت امت را خویشاوندی رسول خدا (ص) دانسته‌اند و بر این باورند که امام و خلیفه باید از قریش باشد (کرمانی حنبلی، ۱۴۲۲هـ ج ۳، ص ۱۰۵۷؛ ابن‌حزم، ۱۴۰۸هـ ج ۱، ص ۶۵؛ رافعی، ۱۴۱۷هـ ج ۱۱، ص ۷۱؛ قلقشندی، ۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۳۷؛ مقدسی، ۱۴۴۲هـ ج ۲، ص ۴۶۳؛ تتائی مالکی، ۱۴۳۵هـ ج ۷، ص ۱۸۵) و در میان قریش نیز بنی‌هاشم برای حاکمیت و رهبری جامعه اسلامی شایسته‌تر دانسته شده‌اند^{۱۳} (ابن‌الرفعه، ۲۰۰۹م، ج ۱۸، ص ۲۰؛ شوکانی، [بی‌تا]، ص ۹۳۷).

۲-۳-۲. احکام مالی سادات

فقیهان فریقین در بخش مالی و حکم دریافت انواع صدقه از سوی سادات اختلاف دارند؛ از این‌رو گروهی به حرمت دریافت مطلق صدقه برای بنی‌هاشم فتوا داده‌اند (ابن‌حزم، ۱۴۰۸هـ ج ۴، ص ۲۷۱ و ج ۸، ص ۱۲۴)؛ چنان‌که این نظر به ابوحنیفه نسبت داده شده است (سغدی، ۱۴۰۴هـ ج ۱، ص ۱۹۹)؛ گروهی قائل به تفصیل بین صدقه واجب (زکات و فطریه) و صدقه مستحبی شده‌اند و تنها صدقه واجب را بر ایشان حرام دانسته‌اند (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۹هـ ص ۱۸۱؛ حلی، ۱۴۲۰هـ ج ۱، ص ۴۱۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰هـ ج ۲، ص ۵۲؛ محقق سبزواری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۶۰؛ یزدی، ۱۴۰۹هـ ج ۲، ص ۳۲۲؛ سرخسی، ۱۴۰۰هـ ص ۹۷؛ شافعی، ۱۴۰۳هـ ج ۲، ص ۸۸؛ ابن‌حنبل، ۱۴۰۱هـ ص ۳۸۱؛ قدوری حنفی، ۱۴۲۷هـ ج ۸، ص ۴۲۲۱؛ ابن‌عبدالبر مالکی، ۱۴۰۰هـ ج ۱، ص ۳۲۸؛ تنوخی، ۱۴۲۸هـ ج ۲، ص ۸۵۶؛ ابن‌حزم،

۱۴۰۸ هـ ج ۴، ص ۲۶۷)؛ اما به جواز دریافت صدقه مستحبی برای سادات نظر داده‌اند (یزدی، ۱۴۰۹ هـ ج ۲، ص ۳۲۲؛ شافعی، ۱۴۰۳ هـ ج ۲، ص ۸۸ و ج ۴، ص ۵۸؛ سمرقندی حنفی، ۱۳۸۶ هـ ص ۴۴؛ طحاوی، ۱۴۱۷ هـ ج ۱، ص ۴۷۷؛ ابن‌قدامة مقدسی، ۱۴۱۷ هـ ج ۴، ص ۱۱۳). گروهی از فقیهان نیز در دریافت صدقه مستحبی احتیاط کرده‌اند (صقلی مالکی، ۱۴۳۴ هـ ج ۴، ص ۱۷۹).

بنابراین می‌توان گفت فقیهان اسلامی در حکم به ممنوعیت دریافت صدقه واجب برای بنی‌هاشم هم‌نظر هستند؛ چنان‌که به این مطلب تصریح شده است^{۱۴} (ابن‌هبیره، ۱۴۲۳ هـ ج ۱، ص ۲۲۳؛ ابن‌قدامة مقدسی، ۱۴۱۷ هـ ج ۴، ص ۱۰۹).

عالم‌ان شیعه معتقدند خمس به شش بخش تقسیم می‌شود و سه سهم آن در این روزگار به سه گروهی از بنی‌هاشم می‌رسد که در آیه نام برده شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ هـ ج ۲، ص ۸۰؛ یزدی، ۱۴۰۹ هـ ج ۲، ص ۴۰۳). بر اساس گزارش‌های تاریخی، بخشی از خمس در زمان رسول خدا (ص)، ابوبکر و تا اواخر عهد عمر به بنی‌هاشم پرداخت می‌شد (ابویوسف، [بی‌تا]، ص ۳۰ - ۳۱). بر همین اساس برخی از فقیهان عامه فتوا داده‌اند که بخش ذوی‌القربی از خمس مخصوص بنی‌هاشم است^{۱۵} (شافعی، ۱۴۰۳ هـ ج ۲، ص ۸۸ و ج ۴، ص ۱۵۴؛ ابوالوفاء حنبلی، ۱۴۲۲ هـ ص ۳۱۹؛ ابن‌المنذر، ۱۴۰۸ هـ ج ۲، ص ۴۸۰).

۲-۴. جمع‌بندی

سید که جمع آن سادات است، در عرف اسلامی به کسی گفته می‌شود که به واسطه نسبش به هاشم بن عبدمناف برسد؛ به‌ویژه که از فرزندان حضرت فاطمه زهرا (س) باشد. سادات در فرهنگ قرآنی و روایات، احکامی دارند که افزون بر همه مسلمانان، خود ایشان نیز موظف به رعایت آنها هستند؛ اما لازمه سیدبودن، داشتن نقش مذهبی و معافیت از فعالیت‌های اقتصادی نیست، گرچه سادات فقیر حقی خاص از خمس را دارا هستند و به دلیل حرمت رسول خدا (ص) و سفارش‌های قرآن کریم و روایات نقل شده از رسول اکرم (ص) جایگاه ویژه‌ای در اجتماع کسب کرده‌اند.

۳. ارزیابی شباهت و فرضیه اقتباس

مشرکان در دوران پیامبر اکرم (ص)، قرآن را به برگرفته‌شدن از فردی غیرعرب‌زبان





متهم می‌کردند؛ اما قرآن این ادعا را رد می‌کند. آیات ۱۰۳ - ۱۰۵ سورة «نحل» این اتهام را هم از نظر زبانی (تطابق نداشتن زبان قرآن با زبان آموزگار ادعا شده) و هم معنوی (ریشه داشتن این ادعا در بی‌ایمانی و دروغ‌پردازی منکران) باطل می‌دانند. همچنین پژوهشگران، شباهت‌های قرآن با متون دینی پیشین را ملازم با اقتباس آن از متون یاد شده ندانسته‌اند و این احتمال را مطرح کرده‌اند که هر دو دین در یک خاستگاه و حیانی ریشه داشته باشند. افزون بر اینکه قرآن با متون باقی‌مانده از گذشته تمایزهای بنیادین دارد و از نظر زبانی و محتوایی بی‌نظیر، اصیل و کامل است (طباطبایی، ۱۳۵۲ هـ.ش، ج ۱۲، ص ۳۴۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ هـ.ج، ج ۲۰، ص ۳۷۲ - ۳۷۳).

درباره ادعای تأثیرپذیری سیادت در اسلام از کهنات در یهودیت، بررسی متون و ساختارهای دینی در این مطالعه نشان داد که این دو نهاد نه تنها شباهت ساختاری ندارند، بلکه کارکردهای متفاوتی دارند که فرضیه اقتباس را رد می‌کند؛ زیرا کارکرد کهنات در یهودیت، وابسته به انحصار اجرای مناسک و واسطه‌گری بین خدا و انسان در معبد بود که با بهره‌گیری از این انحصار تا به حد فرمانروایی بنی اسرائیل نیز رسید؛ اما با تخریب معبد، حدود پنج قرن پیش از ظهور اسلام رو به افول نهاد و جای خود را به «ربانیت» و دانشمندان داد. همچنین می‌توان رگه‌هایی از خودبرتربینی و تبعیض در آموزه‌های کهنات قابل ردیابی است؛ چنان‌که فلسفه ممنوعیت ازدواج با زنان بیوه و مطلقه را حفظ پاکی نسل و سلسله نسب ایشان بیان کرده‌اند؛ درحالی‌که اسلام بر رابطه مستقیم انسان با خدا تأکید دارد و هیچ‌کس را بر اساس تبار و نسب برتر از دیگران نمی‌داند. قرآن کریم برتری انسان‌ها را بر اساس تقوا [حجرات ۴۹: ۱۳] و علم و دانش (مجادله ۵۸: ۱۱) دانسته است؛ به همین دلیل هم سادات از نظر پیوند خانوادگی شرعاً محدودیتی ندارند و احترام به سادات در اسلام، ریشه در محبت به پیامبر (ص) به عنوان اجر رسالت و تلاش‌های آن حضرت برای هدایت انسان‌ها دارد (شوری ۴۲: ۲۳)، نه انحصار در مناسک. بنابراین مطالعه تاریخ نشان می‌دهد که در اسلام کسی به صرف داشتن انتساب خونی به رسول خدا (ص) موفق به کسب مقامی اجتماعی و دینی نشده است؛ اگرچه این انتساب را برخی از مذاهب یکی از شرایط تصدی خلافت و امامت دانسته‌اند.

افزون بر اینکه مشخص شد در تورات به تفصیل و در موارد متعددی احکام کاهنان بیان شده است؛ درحالی‌که قرآن به تعداد انگشتان دو دست نیز به خاندان پیامبر (ص)

اشاره نکرده است. درباره استناد به حدیث منزلت نیز باید گفت که اگرچه هارون در تورات کاهن است؛ در قرآن که محتوای آن موردنظر رسول اکرم (ص) است، در جایگاه وزیر، پشتیبان، شریک و جانشین موسی (ع) شناخته می‌شود (طه ۲۰: ۲۹ - ۳۲). بنابراین استفاده از این تشبیه، نوعی بازسازی معنایی در چارچوب اسلامی است، نه تحمیل یک ساختار یهودی و کارکرد کهناتی؛ چنان‌که استثنای پیامبری (هلالی، ۱۴۰۵هـ ج ۲، ص ۸۸۷؛ ابن‌راشد، ۱۴۰۳هـ ج ۱۱، ص ۲۲۶) در این حدیث به‌خوبی نشان می‌دهد تمام مناصب هارون به استثنای نبوت به امام علی (ع) ارجاع داده شده است. بنابراین حدیث منزلت نمی‌تواند مستندی بر اقتباس از نهاد کهنات به شمار آید.

از نظر اقتصادی، هزینه زندگی کاهنان از منابعی همچون عشریه، نذر و هدایای معبد تأمین می‌شد که مزد ایشان در ازای خدمات انحصاری به معبد بود؛ درحالی‌که سادات در اسلام، مانند سایر مسلمانان موظف به فعالیت اقتصادی هستند و تنها در شرایط اقتصادی خاص همچون گرفتاری در سفر یا فقر، مجاز به دریافت بخشی از خمس و صدقه مستحبی می‌شوند که امتیازی اقتصادی محسوب نمی‌شود و حتی موظف هستند همچون دیگران زکات اموال خویش را بپردازند. بنابراین ساختار مالی سادات در اسلام با سیستم اقتصادی کاهنان یهودی تفاوت جوهری دارد.

به‌اختصار می‌توان گفت سیادت در اسلام با کهنات در یهودیت تفاوت‌های ماهوی دارد و بسیار بعید است که اسلام ساختاری که در فرهنگ یهود حدود پنج قرن پیش از بین رفته و فراموش شده را اقتباس و احیا کرده باشد؛ چنان‌که با وجود ذکر اخبار و ربیون، نامی از کهنه در قرآن نیامده است. افزون بر اینکه تصویری نیز از ارتباط مؤثر بین اسلام و یهودیت در مکه وجود نداشته است^{۱۶} و داستاهایی که به‌مثابه ارتباط رسول خدا (ص) با یهودیان پیش از بعثت نقل شده است، تنها بر اساس حدسیات هستند و مدرک و منبع معتبری ندارند (ولفنسون، ۱۹۲۷م، ص ۹۴). در مدینه نیز مجادلات و جنگ‌های پدیدآمده، فرصت تبادل فرهنگی را نمی‌داد. بنابراین با قاطعیت می‌توان هرگونه اقتباس یا تأثیرپذیری را در این موضوع رد کرد.

جدول مقایسه‌ای زیر می‌تواند تفاوت‌های بین کاهنان در یهودیت و سادات در اسلام را به‌خوبی نشان دهد:





بُعد	کهنات در یهودیت	سیادت در اسلام
وظیفه دینی	اجرای انحصاری مناسک معبد	مسئولیت انحصاری در اجزای مناسک ندارند
منشأ مشروعیت	برگزیدگی تبار هارون	اجر رسالت و محبت پیامبر (ص)
اقتصادی	اختصاص عشریه و هدایای معبد	فعالیت اقتصادی مانند دیگران
اجتماعی	محدودیت در ازدواج برای پاکی نژاد	آزادی کامل در ازدواج و زندگی
تاریخی	افول جایگاه پس از تخریب معبد	هیچ تحول ساختاری نداشته است

نتیجه

بر اساس پژوهش ارائه شده، با وجود شباهت های اولیه ای مانند موروثی بودن کهنات در یهودیت و سیادت در اسلام، تفاوت های بنیادینی در فلسفه پدیداری، کارکرد و هدف این دو نهاد دیده می شود. کهنات بر نقش آیینی انحصاری و اجرای مناسک مذهبی و قدرت اقتصادی تأکید دارد؛ در حالی که سرمایه اجتماعی سیادت در اسلام مبتنی بر محبت به رسول خدا (ص) و اجر رسالت آن حضرت است و به دور از هرگونه انحصار دینی. افزون بر این، تمایزهایی در منابع مالی، ساختار دینی و ممنوعیت های شغلی نیز این تفاوت را برجسته می کند. تحلیل مقایسه ای سیادت در اسلام و لاوی گری و کهنات در یهودیت، نشان دهنده عدم تشابه اساسی در ساختاری این دو است و این تفاوت ها به قدری اساسی هستند که نظریه اقتباس مستقیم اسلام از یهودیت را رد می کنند و فرضیه اقتباس قرآن از الگوهای یهودی را بی اساس می نمایند.

در نهایت توصیه می‌شود در آینده، مطالعات موردی با هدف بررسی ادعای اقتباس اسلام از سایر ادیان در آموزه‌ها، داستان‌ها و احکام خاص سامان یابند؛ زیرا چنین پژوهش‌هایی نه تنها به ارزیابی دقیق و فنی ادعای برداشت اسلام از منابع پیشین کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند به نزدیک‌شدن دیدگاه‌ها و تعامل سازنده برای همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان ادیان مختلف یاری رسانند.

پی‌نوشت‌ها

۱. ابراهیم گایگر از اندیشمندان یهودی قرن نوزدهم است که کتابی به نام محمد چه چیزهایی/یهودیت گرفته است؟ به رشته تحریر درآورده است.
۲. چالرز کاتلر توری خاورشناس معاصر آمریکایی کتابی به نام بنیان یهودی/اسلام در این موضوع تألیف کرده است.
۳. «بررسی دیدگاه خاورشناسان درباره تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ یهودی و مسیحی» اثر محمدعلی رضایی اصفهانی، «نقد دیدگاه خاورشناسان در اقتباس قرآن» به قلم علیرضا حیدری، «بررسی و پاسخ به شبهه اقتباس قرآن کریم از تورات» نوشته محمدعلی حقدل و همکاران و «بررسی اقتباس قرآن از تورات» نوشته علی نصیری و محمدحسین مدبر از این مقالات هستند.
۴. «دیدگاه اقتباس قرآن از منظر یوسف دره حداد» به قلم حسین فقیه، «بازپژوهی نظریه اقتباس قرآن از آموزه‌های زرتشتی (با تأکید بر دیدگاه ویلیام تسدال)» اثر باقر ریاحی مهر، «ارزیابی نظریه تولدکه در اقتباس قرآن» به قلم حسن رضایی هفتادر و صفر نصیریان در این‌گونه مقالات قرار می‌گیرند.
۵. ممکن است واژه «ربیون» که در قرآن کریم استفاده شده است (آل‌عمران ۳: ۱۴۶)، اشاره به همین منصب باشد؛ چنان‌که به صورت «ربونی» در عهد جدید نیز به کار رفته است (یوحنا، ۲۰: ۱۶) که واژه‌ای عبری به معنای معلم است (هاکس، ۱۳۹۴هـ ص ۴۱۰).
۶. تلمود، ۲۰۱۵م، ج ۸، ص ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۴.
۷. تلمود، ۲۰۱۵م، ج ۲، ص ۱۹۵.
۸. در تفسیر کشاف این روایت ذیل آیه ۲۳ سورة «شوری» نقل شده است (زمخشری، ۱۴۰۷هـ ج ۴، ص ۲۱۹).
۹. او می‌نویسد: «دَلَّ ذَلِكَ عَلَى أَنَّ الَّذِينَ أُعْطَاهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْخَمْسَ هُم: آلُ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ مَعَهُ، وَالَّذِينَ اصْطَفَاهُمْ مِنْ خَلْقِهِ، بَعْدَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ».
۱۰. «حَرَمْتُ الْجَنَّةَ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي...».
۱۱. «مَنْ اصْطَنَعَ صَنِيعَةً إِلَى وَاحِدٍ مِنْ وَلَدِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ - وَلَمْ يُجَازِهِ عَلَيْهَا - فَأَنَا أَجَازِيهِ غَدًا إِذَا لَقِيتَنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ».
۱۲. مسلم در جایی دیگر از صحیح خویش (قشیری، ۱۳۷۴: ۴/ ۱۸۷۴) شرح این روایت را آورده است که در آن از زبان زید بن ارقم مراد از اهل بیت تبیین شده است که ایشان، خویشان پدری رسول خدا (ص) هستند: «فَقُلْنَا: مَنْ أَهْلُ بَيْتِهِ؟ نَسْأُوهُ؟ قَالَ: لَا. وَأَيْمُ اللَّهِ! إِنَّ الْمَرْأَةَ تَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ الْعَصْرِ مِنَ الدَّهْرِ. ثُمَّ يَطْلُقُهَا فترجعُ إِلَى أَبِيهَا وَقَوْمِهَا. أَهْلُ بَيْتِهِ أَصْلُهُ. وَعَصْبَتُهُ الَّذِينَ حَرَمُوا الصَّدَقَةَ بَعْدَهُ».





۱۳. ابن الرفعه می نویسد: «الشرط في الإمامة أن يكون من قرابة رسول الله... فالهاشمي أولى، فإن لم يوجد أحد من بني هاشم صالحاً لها فمن قريش» و نیز شوکانی گفته است: «العلوي الفاطمي هو خيرة الخيرة من قريش وأعلاها شرفاً وبيتاً».
۱۴. «واتفقوا على أن الصدقة المفروضة حرام على بني هاشم» و نیز گفته شده است: «لا نَعْلَمُ خِلَافاً في أن بني هاشم لا تحلُّ لهم الصدقة المفروضة».
۱۵. برای نمونه عبارت ابن المنذر چنین است: «فأما سهم ذي القربى فإنه يقسم بين بني هاشم و...».
۱۶. گزارش هایی ادعا می کنند که یهودیان در مکه سکونت نداشته اند (ولفنسون، ۱۹۲۷م، ص ۹۷ - ۹۸)؛ چنان که برخی معتقدند یهودیان چنان در شبه جزیره زیستی منزوی داشت اند که تأثیر آنها بر عرب ها احتمال کمی داشته است (شیخو، ۱۹۸۹م، ص ۱۶۳).

کتاب نامه

قرآن کریم

ابان، ابا سُلْمَن. (۱۳۵۸ هـ.ش). قوم من: تاریخ بنی اسرائیل. ترجمه: نعمت الله شکیب اصفهانی.

تهران: کتاب فروشی یهودا بروخیم و پسران.

ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۹۹ هـ.ش). النهاية في غريب الحديث والأثر. بيروت: المكتبة العلمية.

ابن الجعد، علی الجوهری. (۱۴۱۰ هـ). مسند. بيروت: مؤسسة نادر.

ابن الرفعه، احمد بن محمد. (۲۰۰۹ م). كفاية النبيه في شرح التنبيه. [بی جا]: دارالکتب العلمية.

ابن المنذر، محمد بن ابراهيم نیشابوری. (۱۴۰۸ هـ). الإقناع. [بی جا]: [بی نا].

ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ هـ). مجموعة فتاوى ابن الجنيد. گردآورنده: علی پناه اشتهاودی. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

ابن حزم، علی بن احمد اندلسی. (۱۴۰۸ هـ). المحلی بالآثار. بيروت: دارالکتب العلمية.

ابن حنبل، احمد. (۱۴۰۱ هـ). مسائل احمد بن حنبل رواية ابنه عبد الله. بيروت: انتشارات المكتب الإسلامي.

ابن حنبل، احمد. (۱۴۲۱ هـ). مسند. بيروت: مؤسسة الرسالة.

ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۴۰۱ هـ). العبر و دیوان المبتدأ والخبر في تاريخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوي الشأن الأكبر معروف بتاريخ ابن خلدون. بيروت: دارالفکر.

ابن راشد، معمر. (۱۴۰۳ هـ). الجامع بروایت عبدالرزاق الصنعانی. ج ۲. بيروت: توزيع المكتب الإسلامي.

ابن راهویه، اسحاق. (۱۴۱۲ هـ). مسند. مدينه: مكتبة الإيمان.

ابن رشد، محمد بن احمد قرطبی. (۱۴۱۴ هـ). مسائل ابی الولید ابن رشد. ج ۲. مغرب: دارالآفاق الجديدة.

ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله. (۱۴۰۰ هـ). الكافي في فقه أهل المدينة. ج ۲. ریاض: مكتبة الرياض الحديثة.

ابن عطيه، عبدالحق بن غالب اندلسی. (۱۴۲۲ هـ). المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز معروف بتفسير ابن عطية. بيروت: دارالکتب العلمية.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۹ هـ). الرسائل العشر. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).

ابن قائد حنبلی، عثمان بن احمد. (۱۴۴۲ هـ). هداية الراغب لشرح عمدة المطالب. کویت: داررکائز للنشر ولتوزيع.

ابن قدامه مقدسی، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۴ هـ). الكافي في فقه الامام احمد. [بی جا]: دارالکتب



العلمية.

ابن قدامه مقدسی، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۷ هـ). المغنی. ج ۳. ریاض: دارعالم الكتب.
ابن هبیره، يحيى. (۱۴۲۳ هـ). اختلاف الائمة العلماء. بيروت: دارالكتب العلمية.
ابن وهب، عبدالله المصري. (۲۰۰۳ م). تفسير القرآن من الجامع لابن وهب. بيروت: دارالغرب الاسلامي.

ابوالوفاء حنبلي، على بن عقيل. (۱۴۲۲ هـ). التذكرة في الفقه «على مذهب الامام احمد بن محمد بن حنبل». رياض: داراشيبيلا للنشر والتوزيع.

ابويوسف، قاضي يعقوب بن ابراهيم. [بی تا]. الخراج. قاهرة: المكتبة الأزهرية للتراث.
اپستاین، خاخام ایزیدور. (۱۳۸۸ هـ ش). يهوديت: بررسی تاریخی. ترجمه: بهزاد سالکی. ج ۲.
تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

اشتاین سالتز، خاخام آدین. (۱۳۸۲ هـ ش). سیری در تلمود. مترجم: باقر طالبی دارابی. قم:
مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
امیر، منشه. (۲۰۱۴ م). يهود، ایران، اسرائیل (رشته گفتگوهای رادیویی با پروفیسور امنون نتصر). اورشلیم: انتشارات اندیشه.

انباری، محمد بن قاسم. (۱۴۱۲ هـ). الزاهر فی معانی کلمات الناس. بيروت: مؤسسة الرسالة.
بلاشر، رژیس. (۱۳۷۲ هـ ش). درآمدی بر قرآن. مترجم: اسدالله مبشری. تهران: نشر ارغنون.
بنی حسینی، سیدصادق. (۱۳۷۲ هـ ش). ادیان و مذاهب جهان (جلد دوم در ملل و نحل). قم:
مؤلف.

تثائی مالکی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۳۵ هـ). جواهر الدرر فی حل ألفاظ المختصر. بيروت:
دارابن حزم.

تطیلی، ربی بنیامین بن یونه اسپانی یهودی. (۲۰۰۲ م). رحلة. ابوظبی: المجمع الثقافي.
تلمود. (۲۰۱۵ م). تلمود اورشليمی. ترجمه: هاینریش دبلیو گوگنهاایمر. برلین: انتشارات والتر د
گرویتز walter de Gruyter.

تنوخی، ابراهیم بن عبدالصمد. (۱۴۲۸ هـ). التنبيه على مبادئ التوجيه - قسم العبادات. بيروت:
دارالحزم.

توری، چالرز کاتلر. (۱۹۶۷ م). بنیان یهودی اسلام (The Jewish Foundation of Islam).
نیویورک: انتشارات KTAV.

ثعلبی، احمد بن ابراهیم. (۱۴۳۶ هـ). الكشف والبيان عن تفسير القرآن. جده: انتشارات
دارالتفسير.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۰ هـ). تحرير الاحکام الشرعية على مذهب الامامية. قم: مؤسسة
الامام الصادق (ع).

حییم، ربی یوسف. (۱۳۷۲ هـ.ش). مجموعه قوانین بن ایش حای. ترجمه: بنیامین گوهری. تهران: انجمن کلیمیان تهران.

دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن. (۱۴۱۲ هـ). مسند معروف به سنن الدارمی. عربستان سعودی: دارالمغنی للنشر والتوزیع.

رافعی، عبدالکریم بن محمد. (۱۴۱۷ هـ). العزیز شرح الوجیز معروف به الشرح الکبیر. بیروت: دارالکتب العلمیة.

زجاج، ابراهیم بن السری. (۱۴۰۸ هـ). معانی القرآن واعرابه. بیروت: انتشارات عالم الکتب. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ هـ). الکشاف. بیروت: دارالکتب العربی.

زواوی، محمدالسعید. (۲۰۰۵ م). تاریخ الزواوة. الجزائر: منشورات وزارة الثقافة.

سرخسی، محمد بن حسن شیبانی. (۱۴۰۰ هـ). الکسب. دمشق: عبدالهادی حرصونی.

سغدی، علی بن الحسین. (۱۴۰۴ هـ). التنف فی الفتاوی. ج ۲. بیروت: مؤسسة الرسالة.

سمرقندی حنفی، نصر بن محمد. (۱۳۸۶ هـ). عُیون الْمَسَائِل. بغداد: مطبعة أسعد.

شافعی، محمد بن ادريس. (۱۴۰۳ هـ). الام. ج ۲. بیروت: انتشارات دارالفکر.

شافعی، محمد بن ادريس. (۱۴۲۷ هـ). تفسیر الامام الشافعی. رساله دکترای احمد بن مصطفی القرآن. عربستان سعودی: انتشارات دارالتدمرية.

شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰ هـ). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية. قم: مكتبة الداوری.

شوکانی، محمد بن علی. [بی تا]. السیل الجرار المتدفق علی حدائق الأزهار. [بی جا]: دار ابن حزم.

شیخو، لويس. (۱۹۸۹ م). النصرانية و آدابها بين العرب الجاهلية. بیروت: دارالمشرق.

شیرازی، ابراهیم بن علی. [بی تا]. المذهب فی فقه الامام الشافعی. [بی جا]: دارالکتب العلمیة.

صاحب بن عباد، اسماعیل. (۱۴۱۴ هـ). المحيط في اللغة. بیروت: عالم الکتب.

صاحب جواهر، محمدحسن. [بی تا]. جواهر الکلام. ج ۷. بیروت: دارإحياء التراث العربی.

صبری پاشا، ایوب. (۱۴۲۴ هـ). موسوعة مرآة الحرمين الشريفين وجزيرة العرب. قاهره: دارالآفاق العربیة.

صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸ هـ.ش). عیون اخبار الرضا(ع). تهران: نشر جهان.

صقلی مالکی، محمد بن عبدالله. (۱۴۳۴ هـ). الجامع لمسائل المدونة. مکه: معهد البحوث العلمیة وإحياء التراث الإسلامی.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۵۲ هـ.ش). المیزان في تفسیر القرآن. ج ۳. بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸ هـ). مجمع البیان. ج ۲. بیروت: دارالمعرفة.





طبری، محمد بن جریر. [بی تا]. جامع البیان عن تأویل آی القرآن معروف به تفسیر طبری. مکه مکرمه: دارالتربیه والتراث.

طحاوی، احمد بن محمد. (۱۴۱۷ هـ). مختصر اختلاف العلماء. چ ۲. بیروت: دارالبشائر الإسلامية.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ هـ). امالی. قم: دارالثقافه.

طیالسی، سلیمان و داود. (۱۴۱۹ هـ). مسند. مصر: دارهجر.

عبدالرزاق، ابوبکر بن همام یمانی. (۱۴۱۹ هـ). تفسیر عبدالرزاق. بیروت: دارالکتب العلمیه.

عمید، حسن. (۱۳۸۹ هـ ش). فرهنگ فارسی عمید. تهران: راه رشد.

عهدین عتیق. (۱۹۸۷ م). اسفار خروج، لاویان، اعداد، تثنیه و صحیفه یوشع، کتاب‌های اول تواریخ ایام. کره جنوبی: به همت انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ هـ). مفاتیح الغیب معروف به التفسیر الکبیر. چ ۳. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

فراء حنبلی، محمد بن الحسین. (۱۴۰۵ هـ). المسائل الفقهیه من کتاب الروایتین والوجهین. ریاض: مکتبه المعارف.

قاضی عیاض، ابوالفضل بن موسی السبتی. (۱۴۱۹ هـ). اکمال المعلم بفوائد المسلم. مصر: دارالوفاء.

قدوری حنفی، احمد بن محمد. (۱۴۲۷ هـ). التجرید. چ ۲. قاهره: دارالسلام.

قرطبی، احمد بن عمر. (۱۴۱۷ هـ). المفهم لما اشکل من تلخیص کتاب مسلم. دمشق و بیروت: دارابن کثیر.

قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۸۴ هـ). الجامع لاحکام القرآن معروف بتفسیر قرطبی. چ ۲. قاهره: دارالکتب المصریه.

قشیری، مسلم بن الحجاج نيسابوری. (۱۳۷۴ هـ). صحیح مسلم. قاهره: مطبعة عيسى البابي الحلبي وشركاه.

قلقشندی، احمد بن علی الفزاری. (۱۹۸۵ م). مآثر الانافه فی معالم الخلافه. چ ۲. کویت: مطبعة حكومة الكويت.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ هـ). تفسیر. قم: دارالکتاب.

کرمانی حنبلی، حرب بن اسماعیل. (۱۴۲۲ هـ). مسائل حرب الکرمانی (رساله دکترای فایز بن احمد حابس). مکه: دانشگاه ام‌القری.

کلاپرمن، ژیلبرت و لیبی. (۱۳۴۷ هـ ش). تاریخ قوم یهود. تهران: انتشارات انجمن فرهنگ‌ی اوتصر هتورا.

گایگر، خاخام آبراهام. (۱۸۳۳ هـ ش). محمد چه چیزهایی از یهودیت گرفته است؟. بن:

انتشارات آدولف مارکوس.

گلدزیه، ایگناس. (۱۹۴۶ م). *العقیده و الشریعہ فی الاسلام: تاریخ التطور العقدي و التشريعی فی الدیانہ الاسلامیہ*. بیروت: دارالرائد العربی.

ماوردی، علی بن محمد. (۱۴۱۹ هـ). *الحاوی الکبیر فی فقہ مذهب الإمام الشافعی* (شرح مختصر المزنی). بیروت: دارالکتب العلمیة.

مجاهد، بن جبر مخزومی. (۱۴۱۰ هـ). *تفسیر مجاهد*. مصر: دارالفکر الإسلامی الحدیثہ. محقق سبزواری، محمدباقر. [بی تا]. *ذخیرة المعاد فی شرح الارشاد*. قم: مؤسسه آلالبیت (ع) لاحیاء التراث.

معین، محمد. (۱۳۸۶ هـ ش). *فرهنگ معین*. چ ۴. تهران: انتشارات آدنا (کتاب راه نو). مقاتل، ابن سلیمان بن بشیر ازدی بلخی. (۱۴۲۳ هـ). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: داراحیاء التراث.

مقدسی، ابراهیم بن محمد حنبلی. (۱۴۴۲ هـ). *المبدع شرح المقنع*. کویت: رکانز للنشر والتوزیع. مکین راجرز، گای. (۲۰۲۱ م). *برای آزادی صهیون: شورش بزرگ یهودیان علیه رومیان (For the Freedom of Zion: The Great Revolt of Jews against Romans)*. لندن و نیوهون: انتشارات دانشگاه ییل.

موری موتو، کازئو و همکاران. (۲۰۱۲ م). *سید و شریف در جوامع اسلامی: پیوندهای زنده به پیامبر*. نیویورک و لندن: انتشارات راوت لگ (Routledge).

موسوی عاملی، محمد بن علی. (۱۴۱۱ هـ). *مدارک الاحکام فی شرح شرائع الإسلام*. چ ۲. مشهد مقدس: مؤسسه آلالبیت (ع) لاحیاء التراث.

میشنا. (۱۹۳۳ م). *ترجمه میشنا از متن عبری با مقدمه و یادداشت‌های توضیحی مختصر*. ترجمه: هربرت دنی. انگلیس: انتشارات دانشگاه آکسفورد.

میشنا. (۲۰۰۸ م). *ترجمة متن التلمود (المشنا)*. ترجمه: مصطفی عبدالمعبود سید منصور. جیزه مصر: مكتبة النافذة.

ناس، جان بایر. (۱۳۵۴ هـ ش). *تاریخ جامع ادیان*. ترجمه: علی اصغر حکمت. چ ۳. تهران: انتشارات پیروز.

نصیر، امنون. (۱۹۹۷ م). *پادیانند (پژوهشنامه یهود ایران)*. لس آنجلس: انتشارات مزدا (به همت بنیاد جامعه دانشوران).

نسفی، عمر بن محمد. (۱۴۴۰ هـ). *التیسیر فی التفسیر*. استانبول: داراللباب للدراسات و تحقیق التراث.

نولدکه، تئودور. (۲۰۰۰ م). *تاریخ القرآن*. نیویورک: انتشارات جورج المز. هاکس، مستر جیمز. (۱۳۹۴ هـ ش). *قاموس کتاب مقدس*. چ ۳. تهران: انتشارات اساطیر.





هروی، احمد بن محمد. (۱۴۱۹ هـ). *الغریبین فی القرآن والحديث*. عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفی الباز.

هلالی، سلیم بن قیس. (۱۴۰۵ هـ). *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*. قم: انتشارات الهادی. واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۵ هـ). *الوسیط فی تفسیر القرآن المجید*. بیروت: دارالکتب العلمیة.

وستوود، اورسولا. (۲۰۱۷ م). «تاریخ جنگ یهود، سال ۶۶-۷۴ پس از میلاد». *مجله مطالعات یهودی*. دوره ۶۸. ش ۱.

ولفنسون، اسرائیل. (۱۹۲۷ م). *تاریخ اليهود فی بلاد العرب*. قاهره: مطبعة الاعتماد. یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم. (۱۴۰۹ هـ). *العروة الوثقی*. حاشیه مراجع تقلید. ج ۲. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

یوحنا. (۱۹۸۷ م). *انجیل یوحنا*. کره جنوبی: به همت انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل. یوسیفوس، بن کربون کاهن. (۱۸۷۲ م). *تاریخ یهودیان*. بیروت: [بی‌نا].